

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سوال

واقعیت کنونی ایران و ازسرگیری حملات میان ایران و آمریکا

(ترجمه)

سؤال:

هم‌زمان با تبادل حملات میان آمریکا و ایران برای بار دوم در دو روز، سپاه پاسداران در بیانیه‌ای امروز یکشنبه اعلام کرد که «نقض آتش‌بس از سوی آمریکا، خلاف ماده نخست یادداشت تفاهمی است که در ۱۸ جون میان ترامپ و مسعود پزشکیان امضا شده است». در مقابل، ترامپ به بازگشت به جنگ تهدید کرد و امروز پیش‌تر در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» خود نوشت: «ممکن است زمانی فرا برسد که دیگر نتوانیم عاقلانه رفتار کنیم و ناچار شویم مأموریت نظامی را پس از آن‌که آن را با موفقیت بزرگ آغاز کردیم، تکمیل نماییم.» ارتش آمریکا نیز شب شنبه به یکشنبه اعلام کرد که حملات هوایی را بر مواضعی در جزیره قشم انجام داده است؛ آن هم چند ساعت پس از آن‌که ایران یک نفتکش را در تنگه هرمز هدف قرار داد... [العربیہ نت ۲۰۲۶/۶/۲۸م]

ترامپ پیش از این، به تاریخ ۲۰۲۶/۲/۲۸م همراه با همپیمان نزدیکش نتانیاهو حمله‌ای را بر ایران راه‌اندازی کرده بود که در جریان آن، رهبر ایران و نزدیک به چهل تن از مقام‌های بلندپایه کشته شدند و ویرانی‌ها و تخریب‌های گسترده‌ای صورت گرفت. با وجود این، ایران در ۲۰۲۶/۶/۱۸م با ترامپ یادداشت تفاهمی را برای برقراری صلح میان دو طرف امضا کرد؛ گویا خون‌هایی که ریخته شد و تأسیساتی که ویران گردید، اصلاً وجود نداشته است!

اما باقی مسلمانان، چه آنانی که به ایران نزدیک‌اند و چه آنانی که از آن دورند، آنچه را جریان دارد، چنان تماشا می‌کنند که گویی میان ایران و آمریکا بی‌طرف‌اند؛ بلکه حتی به آمریکا نزدیک‌تر به نظر می‌رسند! پس تا چه زمانی مسلمانان همچنان پراکنده باقی می‌مانند و توفان‌های بادهای کفار استعمارگر آنان را در هم می‌کوبد، پس از آن‌که روزگاری با نور و عدالت، سروران جهان بودند؟!!

امید دارم پاسخی بدهید که واقعیت رویدادها را روشن سازد؛ سپس بیان کند که این امت چگونه دوباره زنده و عزیز می‌گردد؟ سپاس‌گزارم.

جواب:

برای پاسخ به پرسش‌های بالا، واقعیت رویدادها و چگونگی بازگشت امت به زندگی و عزت را بررسی می‌کنیم؛ و تنها الله سبحانه و تعالی یاری رسان است.

نخست: واقعیت رویدادها:

۱. خبرگزاری آمریکایی بلومبرگ، به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۷م، پیش‌نویس یادداشت تفاهم میان آمریکا و ایران را که از ۱۴ بند تشکیل شده بود، نشر کرد. محتوای این پیش‌نویس با آنچه خبرگزاری نیم‌رسمی مهر ایران به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۴م از قول منبعی نزدیک به تیم مذاکره‌کننده ایرانی نقل کرده بود، همخوانی داشت.

سپس، امضای ناگهانی و غیرمنتظره آن میان رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان، و همتای آمریکایی‌اش، ترامپ، در حالی صورت گرفت که ترامپ در قصر ورسای فرانسه، در حاشیه نشست‌های گروه هفت، به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۸م حضور داشت، با آن‌که قرار بود این امضا در سوئیس انجام شود، اما ترامپ طاعی خواست مسلمانان را به یاد معاهده ورسای پس از جنگ جهانی اول ببیند؛ معاهده‌ای که زمینه از میان بردن دولت خلافت، دولت مسلمانان و پارچه پارچه ساختن وحدت آنان را ترسیم کرد.

گویی ترامپ با انتخاب قصر ورسای - قصری که پیش‌تر مسیر تاریخ را با نابودی خلافت تغییر داد - می‌خواهد خود را به‌گونه رهبری معرفی کند که همانند پیروان پیشین خود تاریخ‌ساز است. به این ترتیب، یادداشت تفاهم از راه دور و به‌صورت الکترونیکی در قصر ورسای، زیر نظارت میانجی دو طرف، شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان امضا شد، بدین‌گونه اعلام گردید که این یادداشت تفاهم رسماً وارد مرحله اجرا شده است.

این توافق میان آمریکا و ایران در حالی صورت گرفت که آمریکا، همراه با «همپیمان نزدیکش نتانیاهو»، در پایان ماه فبروری گذشته عملیات نظامی غافلگیرانه‌ای را انجام داده بود که رهبران بلندپایه نظام ایران، اعم از سیاسی و نظامی و در رأس آنان صاحب تصمیم نخست، یعنی رهبر ایران را هدف قرار داد. آمریکا مدت جنگ را چهار روز تعیین کرده بود، اما جنگ چهل روز ادامه یافت و هدف خود را که عبارت بود از سرنگونی نظام کنونی، یا آوردن رهبرانی وابسته به آمریکا، تحقق بخشیده نتوانست تا ایران از حالت دولتی که در مدار آمریکا حرکت می‌کند، بیرون شود و به دولتی کاملاً تابع آمریکا تبدیل گردد؛ زیرا حرکت ایران در مدار آمریکا طی ۴۷ سال، آمریکا را به طمع انداخت که ایران را به دولتی تابع خود ظطتبدیل کند؛ به‌ویژه پس از آن‌که آمریکا شروع کرد ایران را از مناطقی بیرون سازد که پیش‌تر اجازه داده بود همراه با او در آن‌ها فعالیت کند؛ مانند سوریه، عراق، لبنان و یمن.

اما این وضعیت سبب شد در داخل ایران کسانی به فکر استقلال از آمریکا بیفتند و سپاه پاسداران در این زمینه نقش بزرگی داشت، ما این موضوع را در جواب سوالی که به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۳ م صادر کردیم، به تفصیل توضیح داده بودیم؛ از جمله گفته بودیم:

«... چنان‌که در ونزوئلا رخ داد، هنگامی که نیروهای آمریکایی رئیس‌جمهور آن را ربودند، معاون او و کسانی که همراهش بودند، در برابر آمریکا تسلیم شدند، اما این امر در ایران رخ نداد؛ زیرا پس از آن‌که رهبر ایران، علی خامنه‌ای و شماری از رهبران نظام کشته شدند، سپاه پاسداران در ایران ثابت‌قدم ماند و تصمیم گرفت در برابر این تجاوز ایستادگی کند و به دشمنان حمله نماید، سپاه می‌کوشد از آمریکا مستقل شود؛ برخلاف جناح سیاسی که می‌خواهد با آمریکا تفاهم کند و دست‌کم به‌عنوان دولتی در مدار آمریکا با آن کار نماید، نه به‌عنوان دولتی تابع...»

ثبات، قدرت و تأثیرگذاری سپاه پاسداران از آن‌جا ناشی می‌شد که در انتخاب رهبر جدید، مجتبی، پیش‌دستی کرده بود؛ از همین رو، او از آنان حمایت می‌کرد و برای حفظ حاکمیت خود بر آنان تکیه داشت. او پس از آن‌که رهبر پیشین، یعنی پدرش و شماری از مسئولان را کشتند، با یادداشت تفاهم و صلح با آمریکا موافق نبود.

۲. اما این وضعیت پس از آن تغییر کرد که جناح سیاسی حاکم در ایران - رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و وزیر خارجه - توانستند رهبر را قناعت دهند که یادداشت تفاهم به سود ایران است، رئیس‌جمهور نیز در این زمینه تلاش زیادی انجام داد. در نتیجه، موافقت کتبی رهبر صادر شد؛ موافقتی که به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۸ م در صفحه ایکس و دیگر صفحات شبکه‌های اجتماعی نشر گردید. در آن آمده بود که او در مورد انجام گفت‌وگوها با آمریکا دیدگاه متفاوتی داشت، اما پس از آن‌که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و شماری دیگر از مسئولان تعهد سپردند که مسئولیت حفظ حقوق مردم ایران و جبهه مقاومت را بر عهده می‌گیرند، با یادداشت تفاهم موافقت کرده است.

گویا او مسئولیت هرگونه پیامد منفی‌ای را که در نتیجه این توافق برای ایران رخ دهد، بر دوش رئیس‌جمهور ایران و دیگر مسئولان می‌گذارد. به این ترتیب، یادداشت تفاهم امضا شد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، پس از امضا، در همان روز ۲۰۲۶/۶/۱۸ م در شبکه ایکس نوشت: «این یک سند تاریخی و پیامی از سوی ایران نیرومند است، صلح در سایه احترام متقابل تحقق خواهد یافت. ایران همواره با حفظ کرامت، استقلال، پیشرفت و همکاری منطقه‌ای، به صلح جهانی پایبند بوده است، آنچه به دست آمده، ثمره پایداری ملی، عقلانیت سیاسی و دیپلماسی مسئولانه است.»

پس از آن، صدای سپاه پاسداران در اطاعت از رهبر پایین آمد، محمد منان رئیسی، عضو مجلس شورای اسلامی ایران، در نشستی با هوادارانش، در حالی که مخالفت خود را با این یادداشت اعلام می‌کرد، بخشی از موضع رهبر را آشکار ساخت و گفت: «رهبر، مجتبی خامنه‌ای، از اعضای شورای عالی امنیت ملی خواست به این پرسش‌ها - که مربوط به یادداشت تفاهم بود - به‌صورت جداگانه پاسخ دهند، او برخلاف معمول، تصویب یادداشت تفاهم را مشروط به موافقت ۷۵ درصد اعضای شورا ساخت، تنها یک عضو شورای عالی امنیت ملی با آن مخالفت کرد و سایر اعضا به آن رأی موافق دادند، نمی‌توان گفت رهبر با رضایت کامل توافق را پذیرفت، اما نمی‌توان او را مخالف آن نیز دانست.» [ایران اینترنشنل ۲۰۲۶/۶/۱۸ م.]

بنابراین، موافقت آنان با یادداشت تفاهم - به استثنای یک نفر - و آمادگی‌شان برای امضای توافق نهایی با آمریکا نشان می‌دهد که این روند زمینه‌ساز بازگشت ایران به جایگاه یک «دولت در مدار آمریکا» است؛ نه مطابق دیدگاه پیشین سپاه پاسداران که در پی استقلال از آمریکا بود.

۳. به این ترتیب، کفه جناح سیاسی سنگین‌تر شد؛ جناحی که نهایت خواست آن این است که ایران، همانند گذشته، در مدار آمریکا بچرخد؛ یعنی مانند ترکیه، نه این‌که به دولتی کاملاً تابع و مزدور آمریکا، مانند مصر، سوریه و امثال آن‌ها در منطقه، تبدیل شود. از همین رو، جناح سیاسی حاکم، در صدر رویدادها و مذاکرات قرار گرفت و سپاه پاسداران تا حدی عقب نشست.

زیرا می‌گویم «تا حدی» شعله سپاه هنوز به‌طور کامل خاموش نشده است؛ چون این سپاه با جناح سیاسی اختلاف دارد. پیش از این، تلویزیون ایران روز جمعه اعلام کرده بود که یک خط تماس با آمریکا دربارهٔ تنگهٔ هرمز راه‌اندازی شده است. [العربیہ ۲۰۲۶/۶/۲۶ م.] اما سپاه پاسداران این موضوع را رد کرد. حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران ایران، شام جمعه آنچه را ادعاهای مسئولان آمریکایی دربارهٔ ایجاد خط تماس مستقیم میان ایران و آمریکا در مورد تنگهٔ هرمز خواند، تکذیب کرده و تأکید نمود که این ادعا کاملاً دروغ است، این در حالی بود که شبکهٔ ایرانی پرستی‌وی همان روز جمعه از ایجاد خط تماس میان ایران و آمریکا در تنگهٔ هرمز خبر داده بود. [العربیہ الجدید ۲۰۲۶/۶/۲۶ م.]

همچنین سپاه پاسداران به حملات آمریکا بر سواحل شرقی ایران پاسخ داد، و بسایت سپاه‌نیوز بیانیه‌ای از سپاه پاسداران ایران نشر کرد که در آن آمده بود: آمریکا حمله‌ای را بر سواحل ایران انجام داده و همین امر سپاه را به پاسخ‌گویی واداشته است؛ از این رو، نیروی دریایی سپاه پاسداران، نقاط استقرار ارتش آمریکا را در منطقه هدف قرار داده است. در این بیانیه، واشنگتن به نقض تعهداتش در یادداشت تفاهمی که میان دو طرف امضا شده بود، متهم گردید. [الجزیره ۲۰۲۶/۶/۲۶ م.]

۴. امضای یادداشت تفاهم به این معنا بود که ایران آتش‌بس دائمی را با متجاوزانی که بر آن حمله کرده بودند، پذیرفته و تعهد سپرده است که با آنان ننگه. در بند نخست یادداشت تفاهم آمده است که این توافق «شامل آتش‌بس فوری و دائمی در همهٔ جبهه‌ها، از جمله لبنان، می‌شود و آمریکا و ایران تعهد می‌سپارند که هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه یکدیگر انجام ندهند و از تهدید به استفاده از زور یا توسل به آن در برابر طرف مقابل خودداری کنند...»

این بدان معناست که ایران از مقاومت در برابر آمریکا دست کشیده است؛ آمریکایی که بر آن تجاوز کرد، رهبران بلندپایه‌اش را کشت و آنچه را از تأسیسات هسته‌ای و حیاتی‌اش تخریب کرد، هر چند بند دوم بر عدم مداخله در امور داخلی تأکید می‌کند، اما آنچه در سایر بندهای توافق آمده، این ادعا را رد می‌کند.

برای نمونه، بند هشتم یادداشت تفاهم میان آمریکا و ایران چنین می‌گوید: «ایران بار دیگر تأکید می‌کند که در پی به‌دست آوردن یا توسعهٔ سلاح هسته‌ای نخواهد بود و ایالات متحده آمریکا و ایران توافق کردند که موضوع مواد غنی‌شدهٔ ذخیره‌شده را بر اساس سازوکاری که به‌صورت متقابل بر آن توافق می‌شود، حل‌وفصل کنند...» [الشرق، ۲۰۲۶/۶/۱۸ م.]

همچنین اسکای‌نیوز به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۲۴ م نشر کرد که «ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، روز سه‌شنبه گفت ایران اجازه نخواهد یافت سلاح هسته‌ای داشته باشد. او اشاره کرد که ایران، پس از نابودی ارتش و توانایی‌هایش، در وضعیت مناسبی برای مذاکره قرار ندارد. ترامپ افزود که مفتشین هسته‌ای در زمان مناسب در داخل ایران حضور خواهند یافت» پس صرف تصریح به چنین موضوعی، خود مداخله است.

همچنین بند ششم، راه نفوذی برای مداخلهٔ آمریکا در امور ایران فراهم می‌سازد؛ زیرا در آن آمده است: «آمریکا تعهد می‌سپارد که با همکاری شرکای منطقه‌ای خود، طرحی جامع و مورد توافق دو طرف را برای بازسازی ایران و توسعهٔ اقتصادی آن آماده کند، با تضمین فراهم‌سازی دست‌کم ۳۰۰ میلیارد دلار، چگونگی اجرای این طرح، به‌عنوان بخشی از توافق نهایی، در مدت ۶۰ روز تنظیم خواهد شد.» این خود منفذی برای مداخله است؛ بلکه فراتر از آن!

۵. با همهٔ این‌ها، در این توافق نوعی بازی با الفاظ وجود دارد؛ از یک سو می‌توان از آن چنین برداشت کرد که منافع ایران را تأمین می‌کند و از سوی دیگر می‌توان آن را در راستای تأمین منافع آمریکا فهمید؛ یعنی توافقی است مین‌گذاری‌شده و خطرناک و شاید مدت شصت‌روزهٔ آن برای خنثاسازی مین‌هایش کافی نباشد و ناچار تمدید گردد! از جمله در موضوعاتی مانند رفع محاصره و باز شدن تنگهٔ هرمز... «ایران نسبت به آنچه «ترتیبات مبهم» در مورد عبور و مرور از تنگهٔ هرمز خواند، هشدار داد؛ با این استدلال که ایران یکی از دولت‌های ساحلی این تنگه است...» [اسکای‌نیوز ۲۰۲۶/۶/۲۶ م.]

این ابهام در درگیری‌های امروز میان ایران و آمریکا نیز آشکار شد؛ زیرا سپاه پاسداران در بیانیهٔ امروز یک‌شنبه خود، نقض آتش‌بس از سوی آمریکا را خلاف مادهٔ نخست یادداشت تفاهم دانست و گفت که این کار به توقف کامل روند مذاکرات خواهد انجامید. همچنان ادعا کرد که بر اساس یادداشت تفاهم امضا شده در ۱۸ جون میان ترامپ و مسعود پزشکیان، ترتیبات لازم برای کنترل حرکت کشتیرانی در تنگهٔ هرمز در دست ایران است. [العربیہنت ۲۰۲۶/۶/۲۸ م.]

همچنین در یادداشت تفاهم آمده است که آمریکا تعهد می‌سپارد نیروهای خود را ظرف ۳۰ روز پس از امضای توافق نهایی، از مناطق اطراف ایران بیرون کند؛ در حالی‌که ایران پیش از این خواهان خروج نیروهای آمریکایی از سراسر منطقه بود.

از سوی دیگر، آمریکا ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشدهٔ ایران را بازمی‌گرداند، اما به این شرط که با آن کالاهای زراعتی و غذایی آمریکایی خریداری شود! ونس، معاون ترامپ، روز دوشنبه در یک نشست خبری به خبرنگاران گفت:

«دارایی‌های مسدودشده ایران که آزاد خواهد شد، برای خرید سویابین، جواری و گندم آمریکایی به سود مردم ایران اختصاص می‌یابد.» [العربیة ۲۵/۶/۲۰۲۶م.]

ایران این موضوع را رد کرد. قالیباف روز پنجشنبه تأکید کرد که آنچه آمریکا اعلام کرده، مبنی بر این‌که تهران از دارایی‌هایی که از حالت مسدودیت بیرون می‌شود برای خرید محصولات زراعتی آمریکایی استفاده خواهد کرد، درست نیست. [العربیة ۲۵/۶/۲۰۲۶م.] سپس موضوع تصویب توافق نهایی از سوی شورای امنیت سازمان ملل مطرح است. یک طرف آن را چنین تفسیر می‌کند که ایران دیگر نمی‌تواند از اجرای آن‌شان خالی کند و طرف دیگر آن را ضمانتی برای پایبندی آمریکا به توافق می‌داند؛ گویی این کار به سود آمریکا نیست.

همچنین رویترز به نقل از یک منبع آگاه، به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۸م، از پروژه صندوق بازسازی و توسعه که در یادداشت تفاهم پیش‌بینی شده، گزارش داد و نوشت: «هدف از این صندوق، ایجاد انگیزه اقتصادی برای رسیدن به توافق نهایی میان تهران و واشنگتن است و این صندوق تنها در صورتی ایجاد خواهد شد که توافق نهایی امضا گردد.»

پس این صندوق، مبنی آراسته و فریبده است تا ایران را به ادامه مذاکرات تا مرحله امضای نهایی تشویق کند؛ به امید صندوقی که زیانتش بیش از سود آن است! همه این‌ها بندهایی مین‌گذاری‌شده، مبهم و شناور اند.

۶. ترامپ می‌داند که در تحقق اهدافش از راه عملیات نظامی ناکام مانده است و مقاومت سپاه پاسداران در برابر تجاوزش او را غافل‌گیر کرد، اکنون واقعیت بر ترامپ فشار می‌آورد؛ زیرا او در جنگی که به راه انداخت، زیان‌های زیادی دید، هیبتش پایین آمد و اعتماد به او در سراسر جهان ضعیف شد؛ حتی در داخل آمریکا و در میان حزب و هوادارانش. این مسئله بی‌تردید بر انتخابات میان‌دوره‌ای کنگرس که در ماه نوامبر آینده برگزار می‌شود و سپس بر انتخابات عمومی که دو سال بعد برگزار خواهد شد، تأثیر می‌گذارد.

ماده‌های چهارم و پنجم یادداشت تفاهم - که مربوط به تنگه هرمز اند - به‌گونه غیرمستقیم با انتخابات میان‌دوره‌ای کنگرس در آمریکا ارتباط دارند؛ چنان‌که معلوم است، بسته شدن تنگه هرمز از سوی ایران و وضع محاصره بحری از سوی آمریکا بر آن - تنگه‌ای که یک‌پنجم حجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کند - حرکت کشتیرانی را فلج ساخت، این امر باعث افزایش شدید قیمت سوخت و گاز شد و به‌طور طبیعی افزایش مشابهی را در قیمت مواد غذایی نیز به دنبال داشت، این مسئله خودبه‌خود بر انتخابات میان‌دوره‌ای تأثیر می‌گذارد.

از همین رو، ترامپ به امضای توافق با ایران اهمیت داد تا تنگه هرمز دوباره به مسیر عادی حرکت کشتیرانی بازگردد؛ زیرا بازگشایی تنگه هرمز می‌تواند قیمت جهانی نفت را به‌سرعت پایین بیاورد. به این ترتیب، ترامپ گم‌شده خود را در مذاکرات و یادداشت تفاهم، یافت تا برای خود پیروزی‌ای از راه مذاکره بسازد؛ پیروزی‌ای که از راه تجاوز نظامی نتوانست به دست آورد.

هنگامی که سپاه پاسداران با ایستادگی و دل‌آوری‌های خود در برابر او قرار گرفت، ترامپ پناهگاه خود را در جناح سیاسی نظام ایران - رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و وزیر خارجه - یافت، همین افراد نقش بزرگتری در قناعت دادن رهبر به پذیرش مذاکرات و یادداشت تفاهم داشتند و در نتیجه صدای سپاه پاسداران پایین آمد.

آنچه حرص و علاقه آمریکا را برای رسیدن به توافق با ایران تأیید می‌کند، چیزی است که در بند سوم آمده است. متن آن چنین است: «ایران و آمریکا تعهد می‌سپارند که مذاکره کنند و در مدت حداکثر ۶۰ روز، که با موافقت دو طرف قابل تمدید است، به توافق نهایی برسند.» یعنی حتی اگر نیاز به تمدید داشته باشد!

پس از آن‌که آمریکا در گزینه نظامی برای تغییر نظام ایران و تبدیل آن به دولتی تابع ناکام شد، علاقه شدید خود را به مذاکره و رسیدن به توافق نهایی نشان داد و پذیرفت که ایران، همانند گذشته، به‌عنوان دولتی در مدار آمریکا بازگردد؛ به‌ویژه پس از آن‌که صداهایی، مخصوصاً از سوی سپاه پاسداران، خواهان استقلال کامل از آمریکا شده بودند.

ترامپ این وضعیت را پیروزی شمرد و جناح سیاسی، به‌ویژه رئیس‌جمهور، این کار را برای او آسان ساخت. بنابراین، آمادگی ایران برای مذاکره و سپس امضای توافق نهایی، در حالی‌که خود می‌بیند آمریکا در جنگ به اهدافش در برابر ایران نرسیده است، به این معناست که ایران به نقطه نخست، یعنی جایگاه «دولت در مدار آمریکا» باز می‌گردد.

۷- پس از آن بعد از امضای توافق، ترامپ کوشید فضای رابطه با ایران، بلکه با مسلمانان به‌گونه عمومی، را نرم‌تر سازد، از یک سو، ترامپ به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۹ م به وب‌سایت آمریکایی اکسیوس گفت: «متأسفانه به رهبر ایران، مجتبی خامنه‌ای، آسیب رساندم.» این سخن پس از موافقت رهبر با یادداشت تفاهم مطرح شد؛ گویی ترامپ از او سپاس‌گزاری می‌کند.

از سوی دیگر، ترامپ چنین وانمود می‌کند که بر رژیم یهود فشار وارد می‌سازد؛ در حالی که آنان در جنگ و صلح خود به فرمان او حرکت می‌کنند! از همین رو، ترامپ به‌گونه علنی نتانیاها را توبیخ کرد؛ او به تاریخ ۲۰۲۶/۶/۱۶ م در ایویان فرانسه، در یک نشست خبری در حاشیه نشست گروه هفت، گفت: «به اسرائیل گفتم که حمله‌اش بر بیروت مورد پسند من نیست و نتانیاها اکنون باید در برابر لبنان مسئولانه‌تر رفتار کنند... بدون من، اسرائیل وجود نمی‌داشت...» [الجزیره ۲۰۲۶/۶/۱۶ م.]

معاون او، ونس، نیز در یک نشست خبری گفت: «به اعضای حکومت اسرائیل که از ترامپ انتقاد می‌کنند، می‌گویم: دو سوم سلاح‌هایی که در سه ماه گذشته از اسرائیل محافظت کرد، به دست آمریکایی‌ها ساخته شده و از پول مالیه‌دهندگان آمریکایی پرداخت گردیده است، اگر من عضو حکومت اسرائیل می‌بودم، به تنها متحد نیرومندی که در سراسر جهان برایم باقی مانده است، حمله نمی‌کردم.» [نیویارک تایمز ۲۰۲۶/۶/۱۸ م.]

سخن ترامپ و معاونش، اگر راست‌گو می‌بودند، درست بود؛ اما چگونه می‌توان چنین گفت، در حالی که رژیم یهود در تجاوز خود بر فلسطین، لبنان و هر جای دیگر، جز با ریسمان آمریکا حرکت نمی‌کند؟! رژیم یهود کوچک‌تر از آن است که به تنهایی برایش وزنی در نظر گرفته شود؛ الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَدَىٰ وَإِنْ يُقَاتِلُوْكُمْ يُؤَلِّمُوْكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُوْنَ﴾ [آل عمران: 111]

ترجمه: آن‌ها (اهل کتاب، مخصوصاً یهود) هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر و اگر با شما بپیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می‌خورند؛ سپس کسی آن‌ها را یاری نمی‌کند.

پس رژیم یهود قدرت ذاتی ندارد، مگر به ریسمانی از سوی الله سبحانه و تعالی و ریسمانی از سوی مردم و آنان از زمان انبیاء شان ریسمان الله سبحانه و تعالی را بریدند و برای‌شان جز ریسمان مردم باقی نمانده است. آمریکا آنان را در تجاوزشان بر لبنان و آنچه «منطقه حائل» می‌نامند، حمایت می‌کند. بنابراین، ترامپ پشت تجاوز آنان و بقای رژیم‌شان قرار دارد، چنان‌که در سخنان پیشین او یادآور شدیم. الله سبحانه و تعالی آنان را نابود کند، چگونه از حق برگردان هستند! آنان هنوز بخش‌هایی از لبنان را اشغال کرده‌اند و مناطق لبنانی را با سلاح‌های آمریکایی و توجیه آمریکایی «دفاع از خود» بمباران می‌کنند.

۸. این به‌طور خلاصه، واقعیت رویدادهاست، واجب این بود که از راه مذاکره به ترامپ چیزی داده نشود که او نتوانست آن را از راه جنگ به دست آورد؛ به‌ویژه این‌که ایران سرزمین کوچک یا ضعیف نیست، ایران توان آن را دارد که در جنگی طولانی ایستادگی کند، آمریکا را شکست دهد و آن را همان‌گونه که در سال ۲۰۲۱ م از افغانستان بیرون شد، با خواری و ذلت از منطقه بیرون سازد، سپس سیاست خود را به‌گونه کامل مستقل سازد؛ نه دوباره به یک دولت در مدار آمریکا برگردد و نه به مرتبه پست یک دولت تابع سقوط کند.

ایران سرزمین وسیعی دارد که مساحت آن به ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع می‌رسد، دارای ناهمواری‌ها و جغرافیای گوناگون است؛ از کوه‌ها و صحراها گرفته تا دره‌ها و سواحل بحری، جمعیت آن نزدیک به ۹۰ میلیون نفر است، عمق استراتژیک دارد و با سرزمین‌های زیادی هم‌مرز است؛ مرزهایی که در برابر هرگونه محاصره، برای آن راه‌های خروج و تنفس به شمار می‌روند، ایران منابع انرژی، مانند نفت و گاز و نیز منابع طبیعی دیگر دارد، همچنان توان تأمین مواد غذایی خود را دارد؛ زیرا زمین‌های کافی برای زراعت در اختیار دارد.

همچنین دیده می‌شود که ایران صنایع نظامی دارد و می‌تواند سلاح‌هایی بسازد که با آن‌ها از خود دفاع کند؛ مانند ساخت موشک‌های دوربرد و هواپیماهای بی‌سرنشین؛ همه این‌ها قابل توسعه است و صنایع غیرنظامی نیز می‌تواند گسترش یابد، حتی در صنعت هسته‌ای نیز توانایی دارند؛ چنان‌که وقتی ترامپ در سال ۲۰۱۸ م از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ م بیرون شد، ایران توانست غنی‌سازی را تا حدود ۶۰ درصد و در حدود ۴۴۰ کیلوگرام برساند، در حالی که در توافق ۲۰۱۵ م س این نسبت از ۳/۶۷ درصد فراتر نمی‌رفت.

از همین رو، امضای یادداشت تفاهم و سپس آغاز مذاکرات برای آن‌که بندهای این یادداشت به‌صورت نهایی امضا شود، یک عقب‌نشینی بزرگ است! این کار آمریکا را نجات می‌دهد؛ آمریکایی که در نبرد با ایران شکست خورد، در این جنگ گرفتار شد و بیش از چهار ماه درگیر آن ماند.

اما رهبران سیاسی ایران، اراده صادقانه و میدئی واقعی خود را از دست داده‌اند تا آنجا که در برابر سپاه پاسداران ایستادند، هنگامی که سپاه می‌کوشید از نفوذ آمریکا مستقل شود و برای دفع تجاوز آمریکا و همپیمان نزدیکش، رژیم یهود، آماده قربانی دادن باشد، به جای آن، رئیس‌جمهور یادداشت تفاهم را امضا کرد و برای ترامپ چیزی را تحقق بخشید که او در جنگ نتوانسته بود به دست آورد!

دوم: اما این‌که امت اسلام چگونه پس از این ذلتی که در آن زندگی می‌کند، دوباره زنده و عزیز می‌گردد، مسئله‌ای ناشناخته نیست؛ بلکه در کتاب الله قوی و عزیز، و در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، نبی راست‌گو و امین، به روشنی نگاشته شده است: خلافتی برای مسلمانان که آنان را بر اساس آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده، اداره کند:

﴿وَأَنَّ احْكَمَّ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾ [مائده: 49]

ترجمه: و در میان آنها (اهل کتاب) طبق آنچه الله (سبحانه و تعالی) نازل کرده، داور می‌کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آن‌ها برحذر باش، میداد تو را از بعض احکامی که الله (سبحانه و تعالی) بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آن‌ها (از حکم و داور می‌تو)، روی گردانند، بدان که الله (سبحانه و تعالی) می‌خواهد آنان را بخاطر پاره‌ای از گناهان‌شان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند.

خلیفه‌ای که مسلمانان را در راه الله سبحانه و تعالی به جهاد رهبری کند. مسلم از ابو هریره روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَتَّقِي بِهِ»

ترجمه: امام سپری است که از پشت سر او جنگ می‌شود و به وسیله او حفاظت به دست می‌آید.

سپس قرن‌های طولانی گواه عظمت دولت اسلام، خلافت راشد، عزت مسلمانان و عدالت آنان است، آنان الله سبحانه و تعالی را با حکم کردن به آنچه نازل کرده بود، یاری کردند؛ پس الله سبحانه و تعالی نیز آنان را یاری داد، اما هنگامی که دولت آنان با توطئه‌های کفار استعمارگر و مزدوران آنان در سرزمین‌های اسلامی فرو ریخت، مسلمانان گرفتار ذلت، خواری و تنگی زندگی شدند:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ دِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ [طه: 124]

ترجمه: و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت.

اما این وضعیت، به اذن الله سبحانه و تعالی، طولانی نخواهد شد؛ زیرا خلافت به وعده حق الله سبحانه و تعالی باز خواهد گشت:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبتل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسق‌اند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از این حکم جبری‌ای که امروز در آن زندگی می‌کنیم، به بازگشت خلافت بشارت داده‌اند، احمد از حدیث روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«... ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مَنَاجِزِ النَّبُوَّةِ. ثُمَّ سَكَتَ»

ترجمه: سپس پادشاهی جبری و استبدادی پدید می‌آید، تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، ادامه می‌یابد، سپس هرگاه الله (سبحانه و تعالی) بخواهد آن را بر می‌دارد، سپس خلافت بر منتهج نبوت پدید می‌آید سپس (رسول الله صلی الله علیه وسلم) سکوت کرد.

پس خلافت، به اذن الله سبحانه و تعالی، باز خواهد گشت و نصرت الله سبحانه و تعالی برای کسانی که دین او را یاری می‌کنند، و عده قطعی اوست:

﴿وَلِيُنصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [حج: 40]

ترجمه: و الله (سبحانه و تعالی) کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ الله (سبحانه و تعالی) قوی و شکست ناپذیر است.

اما الله سبحانه و تعالی چنین مقرر نکرده است که نصرت از آسمان بر ما فرود آید و فرشتگان آن را برای ما بیاورند و در حالی که ما نشسته‌ایم، برای ما خلافت برپا کنند، بلکه باید کار کنیم، جدیت به خرج دهیم، تلاش نماییم، در کار خود صدق و اخلاص را بجوییم و به وعده الله سبحانه و تعالی درباره استخلاف برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، مطمئن باشیم، این وعده با همین دو امر تحقق می‌یابد: ایمان و عمل صالح:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

همه این‌ها در سیرت رسول الله صلی الله علیه و سلم روشن است؛ این‌که چگونه کار کرد، چگونه آزار دید تا آن‌که نصرت الله سبحانه و تعالی برایش فرا رسید، او الله سبحانه و تعالی را یاری کرد، پس الله سبحانه و تعالی نیز او را یاری نمود، این سنت الله سبحانه و تعالی است:

﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ [فتح: 23]

ترجمه: این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت!

رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین عمل کرد، صحابه کرام رضوان الله علیهم نیز به او اقتدا کردند و ما نیز باید چنین باشیم، در آن صورت، نصرت الله سبحانه و تعالی بی‌تردید و به اذن او خواهد آمد؛ و امید است که نزدیک باشد.

این همان چیزی است که امت را نجات می‌دهد، عزتش را به آن باز می‌گرداند، شوکتش را نیرومند می‌سازد و دشمنانش را وادار می‌کند پیش از آن‌که بر آن تجاوز کنند هزار بار ببندیشند، راه نجات تنها این است که خلافت آن بار دیگر بازگردد و زمین با خیر و عدالت آن روشن گردد، همان‌گونه که خلافت به خودکامگی قیصرها و کسرها پایان داد، به خودکامگی پیروان آنان، مانند ترامپ طاعی و امثال او از کفار استعمارگر نیز پایان خواهد داد:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَخُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: 4-5]

ترجمه: و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد، به سبب یاری الله (سبحانه و تعالی) و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد و او صاحب قدرت و رحیم است!

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: 37]

ترجمه: در این تذکری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد!

13 محرم الحرام 1448 ه.ق.

28 جون 2026 م.

مترجم: مصطفی اسلام